



کانون وکلای دادگستری اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ: ۱۴۰۲/۷/۱۱
شماره: ۲۰۴۰۳۱/۵۷۲۳
پست:

دبیر محترم و اعضای محترم شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تقدیم مراتب احترام

موضوع: تبیین تعارض بند الحاقی به ماده ۱۹ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام تأمین مالی کشور مصوب ۱۴۰۲/۵/۲۹ و تبصره‌های آن با قانون اساسی، شرع، اصل تفکیک قوا و سیاست‌های کلی نظام و استمداد از شورای محترم نگهبان در جلوگیری از وقوع آثار سوء ناخواسته بر منافع ملی و اعتبار جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی.

طبق بند الحاقی به ماده ۱۹ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام تأمین مالی کشور، صدور، تعلیق و ابطال پروانه وکالت دادگستری از طریق درگاه ملی مجوزها انجام و به عبارت دیگر در اختیار وزارت اقتصاد قرار می‌گیرد. این امر ناخواسته منجر به ورود دولت به حیطة وظایف و اختیارات کانون‌های وکلا و در نتیجه نقض عملی استقلال کانون‌های وکلا از دولت می‌شود. مجلس شورای اسلامی در تشریح علت تقنین این ماده به مبارزه با رانت، فساد و نیز نظارت بر کانون‌های وکلا تأکید می‌نماید، اما این توجیه ناشی از عدم طرح و بررسی قانون در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس و به عبارت دیگر عدم رعایت اصل شرعی رجوع به خبره است؛ چراکه طبق قانون، نظارت بر عملکرد کانون‌ها از طرق مختلف از جمله تایید صلاحیت داوطلبان انتخابات هیئت مدیره کانون، رسیدگی به اعتراض به آراء دادگاه انتظامی کانون، پیگرد قانونی کلیه جرایم احتمالی از جمله جرایم اعضای هیئت‌های مدیره کانون‌ها و به ویژه رسیدگی به اعتراض داوطلبان به رد درخواست صدور پروانه وکالت از سوی هیئت مدیره، مشخصا و انحصارا در صلاحیت قوه قضائیه می‌باشد. همانطور که نظارت بر عملکرد دولت نیز از طرق مختلف از جمله دیوان عدالت، بر عهده قوه محترم قضائیه است.

از طرف دیگر نمایندگان محترم حامی این ماده در برخی اظهارات بیان می‌دارند که صدور، تعلیق و ابطال مجوز از طریق درگاه، صرفا امری شکلی است و به معنای دخالت دولت در اختیارات نهاد وکالت نیست، اما از آن جا که اذن در شیء اذن در لوازم آن است، تایید این مصوبه از یک طرف به معنای تایید اختیار دولت در ورود به ماهیت و در



کانون وکلای دادگستری اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ: ۱۴۰۲ / ۱۲ / ۱۱
شماره: ۰۲۵۴۵۳۸۱۵۷۲۳
پست:

نتیجه ورود به اختیارات کانون‌ها و نقض استقلال آنها است و از طرف دیگر به معنای اعمال نظارت بر نهاد وکالت، پیگیری تخلفات، جرایم و تعقیب ضمانت اجراها توسط دولت است، امری که به وضوح به معنای ورود به قلمرو قوه قضائیه توسط دولت و نقض اصل تفکیک قوا به عنوان یکی از اصول اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای پیشرفته جهان است.

آثار جبران ناپذیر نقض استقلال نهاد وکالت از جمله خطر اخراج ایران از کانون وکلای بین‌المللی، مخدوش شدن اعتبار ایران در عرصه بین‌المللی، کاهش تعامل از جمله تعامل حقوقی ایران با کشورهای عضو معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای، عدم ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشور، خروج سرمایه‌های داخلی، گسترش صلاحیت جهانی دادگاه‌های خارجی در رسیدگی به پرونده‌های علیه اتباع ایرانی، عدم اعتبار دفاع وکلای ایران از دولت ایران در پرونده‌های بین‌المللی و در نتیجه از بین رفتن منافع ملی، منجر به نگرانی شدید حقوقدانان و کانون‌های وکلا شده است. کانون‌های وکلای دادگستری بنا بر وظیفه قانونی، خود را ملتزم به دفاع از منافع ملی، منافع حاکمیت و نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند و لذا در این راستا به تلاش خود ادامه می‌دهند.

متأسفانه این مصوبه علاوه بر آنچه ذکر شد، به دلیل عدم تأمل کافی در تدوین، در تعارض با قانون اساسی، شرع و به ویژه در مغایرت با برخی از سیاست‌های کلی نظام قرار گرفته است.

الف- تعارض با قانون اساسی:

الف-۱- اصل ۳۴ قانون اساسی: طبق این اصل، حق دادخواهی از حقوق بنیادین است. نفی صلاحیت رسیدگی دیوان عدالت اداری کشور در خصوص اعتراض به مصوبات هیئت مقررات زدایی آشکارا با حق دادخواهی به مراجع قضایی در تناقض است و از طرف دیگر فلسفه وجودی این هیئت را نیز زیر سوال برده است؛ چراکه مقررات جدیدی را مبنی بر صلاحیت انحصاری و نهایی این هیئت تاسیس نموده است. مقرره‌ای که در تاریخ نظام جمهوری اسلامی ایران کم سابقه بوده است.



الف-۲- اصل ۳۵ قانون اساسی: اصل ۳۵ قانون اساسی که یکی از اصول مترقی و تأکیدی بر حق بنیادین دفاع است، به صراحت به حق انتخاب وکیل و نیز اهمیت حضور وکیل در دفاع می‌پردازد. در زمان تدوین قانون اساسی، استقلال نهاد وکالت، امری نهادینه شده بوده و وکیل بدون این صفت جوهری، متصور نبوده است و نگارندگان قانون اساسی که ضمن اشراف کامل بر قوانین و اصول حقوقی، بر انطباق بر شرع تأکید داشته‌اند، بر حضور این معنا از وکیل تصریح نموده‌اند. بدیهی است چنانچه وکیل دادگستری، ابطال و تعلیق و صدور پروانه و یا به عبارت دقیق‌تر سرنوشت حرفه‌ای خویش را در دستان دولت ببیند، قادر به دفاع قانونی و اخلاقی از موکل نبوده و از طرف دیگر افراد ملت نیز قادر به اعتماد به وکیل نخواهند بود. امری که به روشنی امنیت حقوقی ملت و اعتبار حقوقی و قضایی جمهوری اسلامی ایران را به شدت مخدوش می‌سازد و به طور قطع مخالف اصل ۳۵ قانون اساسی است.

الف-۳- اصل ۵۷ قانون اساسی: این اصل به تفکیک قوا در نظام جمهوری اسلامی ایران تصریح می‌نماید. همانطور که در مقدمه ذکر شد، مصوبه اخیر به معنای اعمال نظارت بر نهاد وکالت، پیگیری تخلفات، جرایم و تعقیب ضمانت اجراها توسط دولت است، امری که به وضوح به معنای ورود به قلمرو قوه قضائیه توسط دولت و نقض اصل تفکیک قوا به عنوان یکی از اصول اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

الف-۴- اصل ۷۵ قانون اساسی: این اصل بر عدم افزایش هزینه‌های عمومی تأکید می‌نماید. این در حالی است که با تأیید مصوبه اخیر و بزرگ شدن دولت و در نتیجه لزوم انجام وظایف کانون‌های وکلای دادگستری توسط دولت، نه تنها هزینه‌های غیر قابل جبران بر اعتبار کشور در عرصه بین‌المللی تحمیل می‌شود، بلکه هزینه‌های بسیاری نیز بر عهده بودجه کشور قرار می‌گیرد.

ب- تعارض با شرع:

ب-۱- قاعده لاضرر: تأیید بند الحاقی به ماده ۱۹ مشخصاً به معنای ورود دولت به اختیارات قانونی و تخصصی کانون‌های وکلا، در عمل موجب دخالت ماهوی دولت در



کانون وکلای دادگستری اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ: ۱۴۰۲ / ۷ / ۱۱
شماره: ۰۲۵۴۶۳۸۶۷۳۳
پست:

روند کارآموزی و چه بسا آزمون اختبار که اموری تخصصی و در صلاحیت صرف کانون‌های وکلای دادگستری هستند، می‌گردد که به طور مشخص نقض استقلال نهاد وکالت را در پی دارد. این امر خطر اخراج ایران از کانون وکلای بین‌المللی را در پی خواهد داشت که ضمن تخدیش اعتبار ایران در عرصه بین‌المللی، اعتبار دفاعیات وکلای ایران در پرونده‌های بین‌المللی را با شبهه مواجه نموده و منافع ملی ایران در معرض تضییع قرار خواهد داد. امری که خسارات جبران‌ناپذیر غیر عقلایی را به ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران تحمیل خواهد کرد.

از طرف دیگر این مقررره بیش از دیگر اقشار جامعه، حقوق افراد بی بضاعت و آسیب پذیر جامعه را به مخاطره می‌اندازد؛ چراکه کانون‌های وکلای دادگستری با نوبت بندی بین کلیه وکلای دادگستری، اقدام به ارائه خدمات رایگان حقوقی به افراد بی بضاعت می‌نماید و فاجعه زمانی اتفاق می‌افتد که جان و مال و آبروی این افراد به دست افراد فاقد صلاحیت سپرده می‌شود. کانون‌های وکلا به موجب قانون، نماینده حاکمیت در ارائه خدمات به افراد بی بضاعت هستند، بنابراین تقدیم پروانه وکالت دادگستری بدون طی مراحل آموزشی، به ویژه منجر به تضییع حقوق این افراد می‌گردد. امری که به طور قطع نمایندگان محترم مجلس نیز از آن تبری می‌جویند و کانون‌های وکلای دادگستری به درایت شورای محترم نگهبان متوسل شده‌اند تا از وقوع آن جلوگیری شود.

ب-۲- اصل رجوع به خبره: واگذاری صدور و ابطال و تعلیق پروانه وکالت دادگستری به وزارت اقتصاد، ذیل تصویب قانونی غیر مرتبط با امور حقوقی و قضایی و بدون اظهار نظر کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است، امری که نه تنها فلسفه وجودی این کمیسیون را نقض نموده، بلکه هشدار می‌دهد که چنانچه جدی گرفته نشود، کشور را به سوی تصویب قوانین متعدد غیر کارشناسانه سوق خواهد داد. اصل رجوع به خبره که از حدیث «العلم امام العمل» و آیه «الا تطغوا فی المیزان» آشکار می‌گردد، یکی از اصول مترقی و بنیادین است که متأسفانه در مصوبه اخیر مجلس به آن عمل نشده است.



ب-۳- بنای عقلا: قاعده «کل ما حکم به الشرع حکم به العقل» به روشنی بر تاکید شرع بر لزوم عمل به بنای عقلا تصریح می‌نماید. انفکاک نهاد وکالت و قضاوت از دولت امری عقلایی است که اساس کلیه نظام‌های حقوقی پیشرفته از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران بر آن بنا شده است.

ج- تعارض با سیاست‌های کلی نظام:

ج-۱- بند ۱۳ سیاست‌های کلی قضایی (ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۱/۰۷/۲۸) مقرر می‌دارد: «تعیین ضوابط اسلامی مناسب برای کلیه امور قضایی از قبیل قضاوت و وکالت و نظارت مستمر پیگیری بر حسن اجرای آن‌ها در صلاحیت قوه قضائیه است». بنابراین وکالت از جمله امور قضایی کشور می‌باشد. بر اساس اصول بنیادین حقوقی، استقلال و بی طرفی مراجع قضایی از دولت‌ها یکی از مهمترین ارکان دادرسی عادلانه است. لزوم استقلال نهاد وکالت از دولت به عنوان یکی از ارکان قضایی نیز، امری بدیهی، مطابق با اصول بنیادین حقوقی و بویژه مطابق با سیاست‌های کلی قضایی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

ج-۲- یکی از اولویت‌های سیاست‌های کلی نظام، تحکیم تعامل فعال با سایر کشورهای جهان به منظور افزایش اعتبار و اثر بخشی ایران در عرصه‌های بین‌المللی و نیز افزایش جذب سرمایه گذاری خارجی است.

این اولویت در بند ۴ از سیاست‌های کلی نظام (پیشبرد راهبرد و گفت و گوی میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی)، بند ۱۹ (جهت‌گیری روابط خارجی و اتخاذ دیپلماسی فعال برای گسترش همکاری و حضور کارآمد در عرصه‌ها و معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی)، بند ۳۰ (تعامل فعال با جهان در تمام عرصه‌ها و هم‌پیوندی و اثر بخشی در سطح اقتصاد جهانی)، و بند ۳۶ (ایجاد فضای مناسب، امن و اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی ...) به وضوح قابل رویت است. اما تایید نهایی قانون اخیر به دلایل زیر در مغایرت آشکار با این سیاست‌ها قرار می‌گیرد.



کانون وکلای دادگستری اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ: ۱۴۰۲ / ۱۲ / ۱۱
شماره: ۲۰۴۰۳۸۷۴۳
پست:

در کلیه معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بر دادرسی عادلانه با شرط حضور وکیل مستقل، تصریح شده است. سال‌ها است که یکی از افتخارات نظام جمهوری اسلامی ایران، استقلال بیش از ۷۰ ساله نهاد وکالت است، اما نقض استقلال علاوه بر آنکه به شدت اعتبار وجهه قضایی ایران را مخدوش می‌سازد، عواقب عملی بسیاری را نیز در پی خواهد داشت. نقض استقلال نهاد وکالت خطر اخراج کانون وکلای ایران از کانون بین‌المللی وکلای در پی خواهد شد که علاوه بر تخدیش اعتبار ملی ایران در عرصه بین‌المللی باعث می‌شود اعتبار دفاعیات وکلای ایران در پرونده‌های بین‌المللی با شبهه مواجه شده و منافع ملی ایران در معرض تضییع قرار گیرد.

از طرف دیگر نقض استقلال نهاد وکالت از دولت، امکان گسترش صلاحیت جهانی علیه ایران را به شدت افزایش می‌دهد. توضیح آن که چنانچه نظام قضایی داخلی کشور دارای اعتبار و استانداردهای بین‌المللی باشد، دادگاه‌های خارجی بهانه‌ای برای اعمال صلاحیت جهانی و در نتیجه رسیدگی به پرونده‌های علیه اتباع ایرانی ندارند. بنابراین عدم استقلال نهاد وکالت تنها امری زیننده نهاد وکالت ایران نیست و نقض آن نتایج جبران ناپذیری را متوجه اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران، نحوه تعامل آن با جهان و به طور مستقیم متوجه حقوق یکایک افراد ملت خواهد نمود.

مسئله دیگری که با تایید مصوبه اخیر تحت الشعاع قرار می‌گیرد، توسعه سرمایه گذاری خارجی است که با توجه به وضعیت اقتصادی کشور بسیار حائز اهمیت است. نظام قضایی استاندارد و امکان بهره‌گیری از وکلای مستقل از دولت و منطبق با استانداردهای کانون بین‌المللی وکلای یکی از مهمترین مولفه‌های مورد نظر سرمایه گذاران خارجی است؛ چرا که اطمینان از وجود وکیل مستقل و امکان بهره‌گیری از دادرسی عادلانه در صورت بروز اختلاف می‌تواند تضمین کننده سرمایه گذار باشد و عدم وجود این شرایط نه تنها مانع سرمایه گذاری خارجی است، بلکه موجب هراس سرمایه گذاران داخلی و در نتیجه خروج سرمایه از کشور نیز خواهد شد. امری که به وضوح در تعارض با سیاست‌های کلی نظام قرار می‌گیرد.



ج-۳- یکی دیگر از اولویتهای مقام معظم رهبری و سیاستهای کلی نظام عبارت از تلاش و حرکت در راستای حفظ و صیانت از حقوق ملت و نیز تحقق عدالت اجتماعی از طریق بهبود ساختار سیاسی و قضایی و صراحتاً از طریق ایجاد محیط حقوقی مناسب است. بندهای فوق به همراه کلیت سیاستهای کلی نظام با دقت و درایت به اهمیت منابع انسانی آگاه و نیز نقش ساختار قضایی و فضای حقوقی کشور در تضمین حقوق مدنی و انسانی ملت می‌پردازد.

این اولویتهای ۹ بند از سیاستهای کلی نظام (تضمین حقوق مدنی و انسانی و دسترسی به فرصتهای برابر برای افراد جامعه و احترام به نهادینه شدن حقوق معنوی افراد)، بند ۱۰ (توسعه و تجهیز منابع انسانی آگاه، انعطاف پذیر و ماهر ...)، بند ۱۲ (بهبود کیفیت زندگی، سلامت، امنیت غذایی، تربیت بدنی، رفع فقر و حمایت از گروه های آسیب پذیر و تحقق عدالت اجتماعی)، بند ۱۳ (بهبود ساختار سیاسی، قضایی و ایجاد محیط حقوقی مناسب برای توسعه کشور) قابل برداشت است. متأسفانه مصوبه اخیر مجلس محترم شورای اسلامی به دلایل زیر آشکارا در تعارض با این سیاستها قرار می‌گیرد. واگذاری صدور، تعلیق و ابطال پروانه وکالت به دولت در عمل موجب دخالت ماهوی دولت در روند کارآموزی و چه بسا آزمون اختبار که اموری تخصصی و در صلاحیت صرف کانونهای وکلای دادگستری هستند، می‌گردد. این امر در کنار نتایجی که از قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار به وقوع پیوسته است، عملاً پروانه وکالت را بی اعتبار و فاقد دلالت بر خبرگی و مهارت وکیل دادگستری می‌سازد. طبق قانون تسهیل هیچ گونه ظرفیت و یا معیار علمی برای جذب کارآموزان وکالت وجود ندارد و افرادی با وجود مردودی در چند درس، موفق به ورود به جرگه کارآموزان شده‌اند. این امر به معنای آن است که مردم قادر به اعتماد به پروانه وکالت نیستند و اثرات وخیم وکالت افراد فاقد صلاحیت علمی گریبان مردم، به ویژه اقشار نا آگاه و یا کم درآمد جامعه را خواهد گرفت.

رهبر معظم در تدوین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی، به وضوح با اشراف کامل بر آنچه ذکر شد، توسعه و تجهیز منابع انسانی آگاه و ماهر و نیز ایجاد محیط حقوقی



کانون وکلای دادگستری اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ: ۱۴۰۲ / ۱۱ / ۲۱
شماره: ۲۰۴۰۳۸۶۷۵۳
پست:

مناسب را در کنار تحقق عدالت اجتماعی قرار می دهند. زیرا تحقق این مهم، بدون توجه به پرورش نیروی انسانی ماهر و نیز توجه به بهبود فضای حقوقی کشور میسر نمی باشد.

ج-۴- طبق بند ۱۷، تغییر نقش دولت به سطح دولتی سیاست گذار، تسهیل کننده، کارآفرین و کوچک، یکی از سیاست های کلی نظام است که مصوبه اخیر به جهات متعدد آن را نقض خواهد کرد. از یک طرف تبدیل کانون های وکلا به عنوان نهادی غیر دولتی و مستقل که به طور کامل با هزینه خصوصی اداره می شود به زیر مجموعه دولت تبدیل می شود و به طور مستقیم موجب بزرگ شدن دولت می گردد. از طرف دیگر تاسیس هیئت مقررات زدایی که مجلس محترم آن را جایگزین بلامنازع دیوان عدالت اداری نموده اند، دولت را درگیر انجام وظایفی می کند که هرگز در حوزه وظایف و البته اختیارات آن نبوده است. این امر ضمن تحمیل هزینه به دولت و اتلاف بودجه عمومی کشور، موجب تمرکز بیشتر در دولت می گردد که با رویکرد سیاست های کلی نظام ایران در خصوص تمرکز زدایی نیز در تقابل است.

در پایان کانون وکلای دادگستری اصفهان ضمن سپاس از توجه و امعان نظر آن مقام محترم، تمشیت مصوبات به رعایت قانون اساسی، شرع و اصول بنیادین حقوق را استدعا دارد.

با سپاس و تجدید مراتب احترام
دکتر حسین ادیب
رئیس کانون وکلای دادگستری استان اصفهان